

گم شده ای از شهر عشق

تالیف : نرگس حسین نیا

www.ketab.ir

سرشناسه	حسین نیا، نرگس، ۱۳۶۶ -
عنوان و نام پدیدآور	گم شده‌ای از شهر عشق / تألیف نرگس حسین نیا
مشخصات نشر	گلزار: نرگس حسین نیا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	۶۰ ص: مصور: (بخشی رنگی): ۲۱/۵×۱۴/۵ س.م.
شاب	۹۷۸-۹۶۴۰۰۴-۹۵۲۲-۱
وضعیت فهرست نویسی	فیا
موضوع	نثر - قرن ۱۴
موضوع	فی
رده بندی کنگره	۸۳۱ PIR ۱۳۹۰
رده بندی دیویی	۷/۸۶۲۱۶۸
شماره	
کتابشناسی ملی	۳۲۱۳۹۲۳

طراح روی جلد: محراب حیدری

مصحح: حمیدرضا ولی زاده

چاپ اول ۱۳۹۲

چاپخانه و صحافی: نقش الماس البرز

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

فهرست

فصل اول

۴..... بالهای فرشته

فصل دوم

۲۵..... دلبستگی های زود

فصل سوم

۳۴..... عشق به دلبندم

www.ketab.ir

پیشگفتار:

روزهای دلتنگی تو را می شناسم و آشنایم با احساسی که داری. می دانم چگونه قلب عاشقت را در زیر لگدهای سهمگین خود له کرده است.

"زنده ماندن را بدون وجودش نمی خواهم" هزاران بار جمله را برای خود تکرار کرده ای و در آینه نگار گرفته ای اشک چشمانت را دیدی با خود فکر کرده ای که چه شد که عشق بازی شد؟ چه شد که آفتاب زمانه صورت عشق را سوزاند و آسمان حتی یک قطره هم نگریست تا سوزشش التیام بگیری؟ چه شد که آغشته ها با دستان پاکشان جمله ناپاکی را در ترانه هایمان گماشته اند؟ آرزو عیب نیست می گویند عشق گناه است باورت نمی شود عشق گناه باشد و تو یک گناهکار به همین راحتی مجازات می کنند و من تبعید سرد برایت در نظر می گیرند چون عاشق شدم. ولی هیچ وقت با خودت فکر نکرده ای که بهای این عشق ها چیست خرد شدن معشوقه های بی پروا و کم سو شدن امیدهای پوشالی بهیژی که آغاز شد باید پایش را هم باور داشت. می دانم که حقیقت دل کندن بسیار زجر آور است ولی باید التیرگی ها جنگید و زیبا فکر کرد که تفکر زیبایی حتما زیبایی می آفریند. بگذار قاصدک خیال را تجربه کند و به دنبال کسی باش که با شب گریه هایت آشنا باشد. دل را به صاحب دل بسپار راه عشق را برایت هموار کند. این روزها جاده عشق خطرناک و بس صعب العبور است ولی اگر سازش چگونه احساس های شکسته ات دستان سردت را بگیرد از این راه به راحتی خواهی گذشت. کشتی شکسته ات را به مجالی ده تا معنی عشق واقعی را دریابد. فرهاد در بیستون چشم براه آمدنمان است باور می کنم هم ساکن شهرش خواهی شد.

دستانانت را پر کن از محبت های واقعی انسان هایی که معنی عشق را می فهمند و از آن کسی که رد پای از غم و دلتنگی رفتنش را بر دلت جای گذاشت دل بکن و مجنون وار عشق را با پاکی وجودت بیامیز تا صاحب قلب انسان فرشته خویی شوی.

می دانم که چگونه ای و حالت را درک می کنم. دقیقه های زجر آورت را می شناسم و می دانم که پس احساس پاکت چقدر با بی محبتی اش گریان شدی. همه را می دانم ولی باید به اجبار بپذیری که دیگر معشوقه ای واقعی که با نورش فقط فضای دل تو را روشن کند کمیاب شده و آنکس که بپذیرد راحتی پاسخ دهد و گذشت را پیشه کند و صبورانه کنار گریه های تو بماند عاشق واقعی است
این درد دلی بود با شما همه کسانی که زخمی عشقتند و امیدوارم مرهمی برای قلب های بزرگی و عاشق شما بوده باشم.

فواد عباسی